

القول: في السعي

٦- سعى بين صفا و مروه

ومقدماته عشرة كلها مندوبة: الطهارة، واستلام الحجر، والشرب من زمزم، والصب على الجسد من مائها من الدلو المقابل للحجر، وأن يخرج من الباب المحاذي للحجر، وأن يصعد على الصفا، ويستقبل الركن العراقي (وهو الذي فيه الحجر الأسود)، ويحمد الله ويثني عليه، وأن يطيل الوقوف على الصفا، ويكبر الله سبعاً ويهلله سبعاً، ويقول: (لا إله إلا الله، وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، يحيي ويميت وهو حي لا يموت، بيده الخير، وهو على كل شئ قدير) ثلاثاً، ويدعو بالدعاء المأثور.

مقدمات سعى:

ده مورد هستند كه همه آن ها مستحب می باشند:

طهارت، دست کشیدن بر حجرالأسود، نوشیدن از چشمه آب زمزم، ریختن از آب زمزم بر روی بدن با سطل مقابل حجرالأسود، خارج شدن از درب مقابل (نزدیک) حجرالأسود، بالا رفتن بر روی کوه صفا، ایستادن رو به رکن عراقی (همان رکنی که حجرالأسود در آن قرار دارد)، حمد و ثنای الهی گفتن، طولانی نمودن وقوف بر روی صفا، هفت بار «الله اکبر» و هفت بار «لا اله الا الله» گفتن و سه بار گفتن «لا إله إلا الله، وحده لا شريك له، له المثلک وله الحمد، يحيي ويميت وهو حي لا يموت، بيده الخير، وهو على كل شئ قدير» و خواندن دعاهایی که از طرف اهل بیت (ع) سفارش شده اند.

والواجب فيه أربعة: النية، والبدء بالصفا، والختم بالمروة، وأن يسعى سبعاً يحتسب ذهابه شوطاً، وعوده آخر.

واجبات سعى:

نیت، شروع از صفا، پایان دادن سعى در سمت مروه، هفت بار سعى انجام دادن (که رفتن را یک سعى و بازگشتش را یک سعى دیگر حساب می کند).

والمستحب أربعة: أن يكون ماشياً ولو كان راكباً جان، والمشى على طرفيه (أي طريق السعي)، والهرولة ما بين المنارة وزقاق العطارين (وتوجد علامة تميز المكانين الآن) ماشياً كان أو راكباً، ولو نسي الهرولة رجع القهقرى وهرولاً موضعها، والدعاء في سعيه ماشياً وهرولاً، ولا بأس أن يجلس في خلال السعي للراحة.

مستحبات چهارگانه:

پیاده حرکت کردن (هرچند جایز است سواره باشد) و حرکت کردن از کناره‌های راه (یعنی مسیر سعی)، هروله کردن بین مناره و بازار عطر فروش‌ها که امروزه با علامت این دو مکان را مشخص کرده‌اند (فرقی ندارد پیاده باشد یا سواره) و اگر هروله کردن را فراموش کرد به عقب برگردد و قسمت مخصوص هروله را با حالت هروله عبور کند و دعا خواندن در طول انجام سعی (چه در حال راه رفتن معمولی باشد و چه در حال هروله). اگر در بین سعی برای استراحت بنشیند اشکالی ندارد.

ويلحق بهذا الباب مسائل:

چند مسئله:

الأولى: السعي ركن من تركه عامداً بطل حجه، ولو كان ناسياً وجب عليه الإتيان به، فإن خرج عاد ليأتي به، فإن تعذر عليه استتاب فيه.

اول: سعی یکی از ارکان حج است که اگر کسی عمداً آن را ترک کند حجه باطل است و اگر از روی فراموشی آن را ترک نماید باید آن را قضا کند و اگر از محدوده حرم خارج شده بود، برگردد تا سعی را به جا آورد و اگر نتوانست برگردد نایب بگیرد.

الثانية: لا يجوز الزيادة على سبع، ولو زاد عامداً بطل، ولا تبطل بالزيادة سهواً. ومن تيقن عدد الأشواط وشك فيما به بدأ، فإن كان في المزدوج على الصفا فقد صح سعيه لأنه بدأ به، وإن كان على المروة أعاد، وينعكس الحكم مع انعكاس الفرض.

دوم: بیش از هفت بار انجام دادن سعی جایز نیست و اگر عمداً بیشتر انجام دهد سعی او باطل است و اگر سهواً بیشتر انجام داد اشکالی ندارد. کسی که می‌داند چند دور از سعی را انجام داده، اما شک دارد از صفا شروع کرده یا از مروه، اگر در دور زوج بود و بر روی صفا قرار داشت شروعش از روی صفا بوده و صحیح است، ولی اگر بر روی مروه بود باید دوباره سعی را انجام دهد و اگر عکس این فرض بود حکم نیز معکوس می‌گردد.

الثالثة: من لم يحصل عدد سعيه أعاده، ومن تيقن النقيصة أتى بها. ولو كان متمتعاً بالعمرة وظن أنه أتم فأحل وواقع النساء، ثم ذكر ما نقص كان عليه دم بقرة ويتم النقصان. ولا كفارة لو قلم أظفاره، أو قص شعره، فقط يتم النقصان.

سوم: کسی که نمی‌داند چند دور از سعی را انجام داده است باید از ابتدا شروع کند و کسی که مطمئن است از هفت دور کمتر انجام داده (و مقدار دورهایی که کمتر انجام داده را نیز می‌داند) آن را کامل کند. اگر عمره تمتع انجام می‌دهد و گمان دارد که سعی خود را به پایان رسانده، سپس از احرام خارج شود و با زنی هم‌بستر شود و

بعدازآن به یاد آورد که مقداری از سعی را انجام نداده بوده، باید یک گاو قربانی کند و نقصان عملش را به جا آورد، ولی اگر ناخن یا موی سرش را کوتاه کرده باشد کفاره ندارد و فقط نقصان عملش را کامل کند.

الرابعة: لو دخل وقت فريضة وهو في السعي قطعه وصلّى ثم أتمه، وكذا لو قطعه في حاجة له أو لغيره.

چهارم: اگر در حال انجام سعی باشد و وقت نماز برسد، سعی را قطع کرده، نماز بخواند و سپس سعی را کامل کند. اگر برای خودش یا دیگری حاجتی پیش آمده و سعی را قطع کرده باشد نیز حکم به همین صورت است.

الخامسة: لا يجوز تقديم السعي على الطواف، كما لا يجوز تقديم طواف النساء على السعي. فإن قدمه طاف ثم أعاد السعي. ولو ذكر في أثناء السعي نقصاناً من طوافه قطع السعي وأتم الطواف، ثم أتم السعي.

پنجم: مقدّم کردن سعی بر طواف جایز نیست، همان طور که مقدم کردن طواف نسا بر سعی جایز نیست. اگر سعی را بر طواف مقدم کند، طواف را انجام داده، بعدازآن سعی را دوباره انجام دهد. اگر در میان سعی یادش آمد که از طوافش چیزی باقی مانده است سعی را قطع نموده، طواف را کامل کند و بعدازآن سعی را تکمیل نماید.